



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی - 27 / خرداد / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به برادران و خواهران عزیز - نمایندگان محترم مجلس هفتم - خوش آمد عرض می کنیم و این دیدار را به عون الهی، یک دیدار مبارک می شماریم و امیدواریم خداوند حضور شما در مجلس شورای اسلامی و جایگاه قانونگذاری را، هم برای خود شما و هم برای ملت ایران مبارک کند.

لازم می دانم بار دیگر از ملت عزیزمان به خاطر حضور هوشمندانه و آگاهانه شان در پای صندوقهای رأی برای مجلس هفتم تشکر کنم. کار بزرگ و برخاسته از درک و احساس صادقی انجام گرفت؛ ملت ایران نگذاشتند طبق خواست مدعیان و دشمنان این نظام، جمهوری اسلامی حتی یک روز بدون مجلس و بدون قوه ی قانونگذاری باشد. از شما نمایندگان عزیز هم تشکر می کنم به خاطر تجاوبی که نسبت به عرایض ما در اول مجلس و پیامی که برای شما فرستادیم، انجام دادید. این خواست و انگیزه ی دو جانبه و گره خوردن اراده ها بر سر خواستها و هدفهای بلند و بزرگ، چیز بسیار مبارکی است. همچنین تشکر می کنم از بیانات امروز جناب آقای دکتر حداد عادل که لفظ و معنا در آن در حد عالی بود و کاملاً درست و مطلوب و آرزوی ماست.

یک جمله به مناسبت آیه یی که برادر عزیزمان در این جا تلاوت کردند - «و ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیاة الدنیا و ما عندالله خیر و ابقی» - عرض کنم. هرچه شما دستاورد دنیوی دارید، بهره ی زندگی نزدیکی است که تا چشم به هم بزنید، می گذرد؛ ماندنی نیست. این بهره، فقط پول نیست. این فرصتها، این مسؤولیتها، این شأنها و موقعیتهایی که گیر من و شما می آید، از دید ارتباط این مسؤولیتها با شخص خود ما، همین طور است. نمایندگان مجلس هم از همین چیزهاست - «و ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیاة الدنیا» - اگر در این کار، هدف خدا باشد، آن وقت «و ما عندالله خیر و ابقی للذین امنوا و علی ربهم یتوکلون». اگر هدف ما از نمایندگی مجلس و از مسؤولیتهایی دولتی و از تکیه زدن بر مناصب و مسندهای گوناگون - از آن جایی که شما نشسته اید، تا آن جا که بنده نشسته ام، تا آن جایی که دولت نشسته است، تا آن جایی که مسؤولان گوناگون در رده های مختلف نشسته اند - همین شأن ظاهری و برخورداری های ظاهری باشد (که این هم پوچ است، باطن این هم چیزی نیست؛ بظاهر، برخورداری به نظر می آید، اما برخورداری واقعی نیست) - بدون شک سرمان کلاه رفته است؛ چون ما در مقابل آنچه می گیریم، چیزی می دهیم. شما در طول مدت عمرتان هیچ چیز را یکجانبه نمی گیرید؛ چیزی می گیرید، چیزی می دهید. آنچه می گیریم، همین چیزهایی است که در طول زندگی گیر ما می آید - از علم، از معنویت، از پول، از مقام، از جلوه گری در چشم مردم، از محبوبیت و غیر اینها - آنچه می دهیم، از همه ی اینها مهمتر است و آن، عمر و زندگی ماست؛ «انّ الانسان لفي خسر». ما در مقابل همه ی دستاوردهای خود، چیزی را داریم به طور مستمر و بی وقفه تحویل می دهیم و آن، مدت مهلت و فرصت ما در این دنیا است؛ این دارد تمام می شود. سرمایه ی اصلی دارد ذره ذره کم می شود؛ مثل یخی که انسان در دستش بگیرد و آب شود. این سرمایه را باید به سرمایه تبدیل کنیم. شما در باب مسائل اقتصاد کلان کشور می گوئید نفت استخراج شده سرمایه ی ملی است و نباید آن را خرج خوراک روزمره بکنیم؛ باید به یک سرمایه ی ماندگار تبدیل کنیم. عین همین قضیه در مورد شخص من و شماست. یک سرمایه ی تجدید ناشدنی - یعنی عمر - را داریم می دهیم؛ باید در مقابل آن یک سرمایه بگیریم تا برای ما بماند. این جاه و جلال، این محبوبیت، این موقعیت سیاسی و این پول برای انسان نمی ماند؛ آنچه می ماند، «و ما عندالله» است؛ این «خیر و ابقی» است؛ این ماندنی است. هدف از نمایندگی باید این باشد؛ در این صورت ضرر نمی کنید؛ چه محبوبیت شما در چشم مردم باقی بماند، چه نماند؛ چه دوره ی بعد انتخاب بشوید، چه نشوید؛ چه در این دوره زحمتهای زیادی بر دوش شما بار بشود، چه نشود؛ هرچه اتفاق بیفتد، خیر اوست؛ «در طریقت آنچه پیش سالک



آید، خیر اوست». هرچه پیش می‌آید، به خیر شماست؛ چرا؟ چون دارید یک معامله و تجارت پُر سود انجام می‌دهید. اگر می‌خواهید برای خدا کار کنید، قیامتتان، قعودتان، امضاءتان، نطقتان، تصویبتان، ردتان، برای انجام وظیفه باشد. چون برای انجام وظیفه است، پس در دیوان الهی ثبت می‌شود؛ «لا یغادر صغیره و لا کبیره الا احصاها»؛ همه چیز را احصاء می‌کنند؛ چیزهایی که ما یادمان می‌رود. وقتی ما نهایت احتیاج را داریم، با سود و بهره، آن را به ما تحویل می‌دهند؛ پس ما ضرری نکرده ایم. جز این، هر کاری نکنیم، سرمان کلاه رفته است؛ من هم همین طورم، شما هم همین طورید؛ هیچ فرقی هم بین ما از این جهت نیست.

و اما در رابطه‌ی مسؤولیت با آنچه محتوا و مضمون این مسؤولیت است. البته وظایفی بر عهده‌ی انسان هست که اگر این وظایف را رعایت کنیم، همین چیزی که گفتیم، حاصل خواهد شد. مهمترین چیزی که در باب مجلس شورای اسلامی وجود دارد، این است که این مجلس مظهر مردم سالاری دینی است. الگویی که نظام اسلامی در خصوص مردم سالاری دینی به دنیا ارائه داد و در عرصه‌ی سیاست جهانی مطرح کرد، بدون شک تجربه‌ی موفق از آب درآمد. آنچه در آن، هم رأی و اراده و شخصیت و خواست مردم در آینده‌سازی جامعه تأثیر دارد، و هم چارچوب این حرکت، ارزشهای معنوی و الهی است، همان چیزی است که امروز بشریت نیازمند آن است و از نبود آن دارد رنج می‌برد. این جنگها، استکبارها، ظلمها، شکافهای طبقاتی، غارت ثروت ملتها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است، همه بر اثر نبود معنویت است. این فسادها و احساس پوچی‌ها و هرزه‌درایی‌ها و هرزه‌گرایی‌هایی که در بین نسلهای گوناگون انسان در سطح دنیا دارد مشاهده می‌شود، همه بر اثر کمبود معنویت است. صد سال پیش، دویست سال پیش، سیصد سال پیش کار را شروع کردند؛ امروز نتایج تلخ آن دارد خودش را نشان می‌دهد. مانند همه‌ی حوادث تاریخی که بلافاصله اثر آن معلوم نمی‌شود، با گذشت زمان - مثل بیماری‌های دیربروز و دیرعلاج یا بی‌علاج - خودش را در دنیا نشان می‌دهد. علی‌رغم ثروت انبوه و هنگفتی که امروز خیلی از کشورهای به اصطلاح پیشرفته‌ی دنیا دارند - این همه پول، این همه ثروت، این همه علم، این همه فناوری، این همه ریزه‌کاری‌های گوناگون علمی در زندگی بشر - بشر احساس خوشبختی و عدالت و سعادت نمی‌کند و فقر ریشه‌کن نمی‌شود؛ این بر اثر کمبود معنویت است. ما ملت ایران آمده ایم معنویت را به شکل جوهری، اصولی و ریشه‌یی - نه به شکل سر بار و تعارفی - در الگوی جدید خود گنجانده ایم. مردم سالاری دینی، این است. مظهر این مردم سالاری، مجلس شورای اسلامی است؛ هم «شورا» است، هم «اسلامی» است؛ هم انتخاب مردم است، هم جهتگیری اسلامی است، که در اصول متعدد قانون اساسی و در سوگند نمایندگی آشکار است. این الگو، بی‌نظیر است. البته طبیعی است که علیه آن تبلیغات کنند - به تعبیر بازاری‌ها - توی سر جنس بزنند و سعی کنند آن را از چشمها بیندازند و بی‌ارزش وانمود کنند؛ این یک ترفند شناخته شده است. در دنیا عالی‌ترین دستاوردها و میراث‌های فرهنگی یک ملت را گاهی کوچک می‌کنند و آن ملت را از آن دستاوردها بیزار می‌کنند؛ در دنیا این کار شناخته شده‌ی بی‌ارزش است؛ اما حقیقت قضیه همین چیزی است که ما آن را حس می‌کنیم. مجلس، مهمترین مظهر مردم سالاری دینی است؛ بنابراین از جایگاه خودتان غفلت نکنید. توجه داشته باشید این جا کجاست و مجلس شورای اسلامی یعنی چه. اهمیت تصمیم و موضعگیری را در این مجلس مورد غفلت قرار ندهید. این جا مرکز و قله و به تعبیری ویتترین مجموعه‌ی نظام اسلامی است که جلوی چشم قرار دارد.

ما به این قانع نیستیم که مجلس شورای اسلامی داریم. تقریباً بیست و پنج سال است که مجلس شورای اسلامی داریم. ما باید سازوکاری پیدا و دنبال کنیم که مجلس روزبه روز در همین جهت صحیح و به سمت اهداف رشد کند و پیش برود؛ کارایی و تأثیرش در کشور زیاد شود تا بتواند به طور واقعی اثرگذاری کند و حرکت کلی کشور را با ایجاد قوانین و با نظارت‌های بجا و با موضعگیری‌های درست، روزبه روز پیشرفته‌تر و متعالی‌تر کند؛ بخصوص که دشمنان نظام اسلامی همواره یک مجلس بی‌نقش را خواسته‌اند؛ مجلسی که تأثیری نداشته باشد، یا تأثیر منفی داشته



باشد. نخیر، مجلس باید اثرگذار، پُررنگ، فعال و دارای نقش باشد؛ همه ی تلاش باید دنبال این باشد. به این هم قانع نیستیم و کافی نمی دانیم که بگوییم ما هم مثل کشورهای دیگر که نام دموکراسی را به دوش می کشند، پارلمان داریم؛ نه، آن پارلمانها در کنار نقاط قوتی که احیاناً دارند - و لابد دارند؛ هیچ مرکزی بدون نقطه ی قوت و نقطه ی ضعف نیست - نقاط ضعف اساسی بی هم دارند؛ ما باید از نقاط ضعف اساسی آنها پرهیز کنیم. من به خاطر دارم که اوایل انقلاب امام این را مکرر به یاد می آوردند که در مجالس دیگر در دنیا درگیری های شنیع و کتک کاری هست؛ اما تفاخر می کردند که در مجلس ما این حرفها نیست؛ مباحثه و مجادله هست. این، مهم است. ما باید ببینیم دیگران چه می کنند که نقطه ی ضعف آنها محسوب می شود؛ از آن پرهیز کنیم. در بسیاری از مجالس کشورهای سرمایه داری معمول و رایج است که نماینده علناً به زبان می آورد و در عمل هم نشان می دهد که حافظ منافع شرکتها و کارتلها و تراستها و کمپانی های گوناگون است؛ از این کار ابایی هم ندارد. مقاصد و منافی را که کمپانی های بزرگ و مراکز عظیم مالی - که بیشترین ظلم دنیا از سوی آنهاست - تعریف می کنند، اینها در مجالس دنبال قانونگذاری و ردیف کردن کار آنها هستند؛ این بزرگ ترین نقطه ی ضعف آنهاست. نماینده ی مردم باید نماینده ی توده ی مردم باشد؛ بخصوص نماینده ی کسانی باشد که به حضور نماینده شان در سطوح تصمیم گیری و تصمیم سازی کشور بیشتر نیاز دارند؛ آنهایی که دستشان به جایی نمی رسد و محرومیت بیشتری را دارند. پس در درجه ی اول، نمایندگی از مردم محروم را برای خودتان تعریف کنید. درست است که هر یک از شما نماینده ی همه ی ملت ایرانید؛ نماینده ی جمع خاصی، نماینده ی آن منطقه و نماینده ی فقط رأی دهندگان نیستند - مجلس، نماینده ی همه ی ملت ایران است - اما در عین حال برخی از اقشار ملت ایران به حضور نماینده ی خود در مناطق تصمیم گیری نیاز دارند؛ چون محرومند، چون مشکلات دارند، چون از فقر و کمبود امکانات و تبعیض ها رنج می برند و از فسادهایی که دیگران به راه می اندازند، آنها صدمه می بینند. بنابراین خودتان را در درجه ی اول، نماینده ی اینها بدانید.

نکته یی که بسیار مهم است، این است که از همه ی ظرفیت کاری مجلس استفاده کنید. اگر قرار باشد یک روز دستگاهی بخواهد موفق ترین مجلس ایران را در دوره ی بعد از انقلاب ارزیابی کند، بلاشک موفق ترین مجلس، مجلسی است که توانسته از همه ی ظرفیت کاری خود استفاده کند. ظرفیت قانونگذاری، یکی از ظرفیتهای بسیار مهم است. ابزارهای نظارت در دست شما قرار دارد. دیوان محاسبات را دست کم نگیرید. من در مجالس قبلی مکرر به مسؤولان و دست اندرکاران می گفتم دیوان محاسبات را خیلی جدی بگیرید؛ این ابزار بسیار مهمی است. به شما هم این نکته را عرض می کنم. البته بعضی گوش کردند، بعضی هم گوش نکردند؛ اما شما گوش کنید. دیوان محاسبات خیلی مهم است. بودجه ی عظیم این ملت، تنها درآمد عمده ی عمومی ملت است که در اختیار دستگاه قرار می گیرد؛ باید مشخص باشد که این بودجه چگونه خرج شد. مسأله ی تفریغ بودجه و تشخیص صحت و سقم کاری که انجام گرفته، یکی از مهمترین ابزارهای نظارتی شماست؛ از این غفلت نکنید. اگر بخواهید از ابزارهای نظارتی استفاده کنید، همه ی تلاش خود را بر این قرار دهید که ارتباط با دستگاه های اجرایی و تحت نظارتتان، قانونی باشد. بعضی از ارتباطهای مخدوش، مطلقاً به ضرر شماست. نمی خواهیم به کسی یا چیزی یا جمعی اشاره کنیم؛ اما در فرض های ذهنی می گنجد که بین بخشی از نمایندگان و بخشی از دستگاه های تحت نظارت، ارتباطات مخدوش و غیرصحیحی به وجود بیاید. این، قطعاً نظارت را مخدوش خواهد کرد و قدرت نظارت را خواهد گرفت و توانایی عظیمی که قانون به مجلس داده است، از مجلس سلب خواهد کرد؛ آنگاه مجلس دیگر اثرگذار نخواهد بود.

مسأله ی مهم دیگر، جایگاه سیاسی مجلس است. شما، نماینده و عصاره و خلاصه ی ملت هستید. موضعگیری شما در مسائل سیاسی و بین المللی، به یک معنا حاکی از موضعگیری ملت ایران است. این موضعگیری، دوگونه می



تواند باشد: گاهی می تواند دشمن را به دخالت بیشتر امیدوار کند؛ او را نسبت به نظام اسلامی، گستاخ و طلبگار و فزون طلب و به زیاده خواهی تشویق کند؛ می تواند هم درست بعکس باشد؛ احساس کند که در ملت ایران و نمایندگان او، صلابت، ایستادگی، آگاهی به منافع و مصالح، ایستادگی بر سر منافع ملی و مصالح ملی، و ناسازگاری با کسانی وجود دارد که همه ی همتشان این است که منافع ملی را به بازیچه بگیرند و راهی برای سیطره ی بر این ملت پیدا کنند. امروز مشکل ما با دشمنانی که در دنیا با آنها دعوا داریم، این است؛ برادران و خواهران عزیز! یک نقطه ی پُر فایده و پُر سود در یک نقطه ی بسیار حساس از لحاظ سوق الجیشی - سیاسی و نظامی - در دنیا به نام ایران وجود داشته و سالهای متمادی در قبضه ی قدرتهای مستکبر بوده است - یک روز روسیه، یک روز انگلیس، یک روز هم آمریکا - بعد این ملت آمده با اتکاء به یک اندیشه و یک فکر و یک اراده، این کشور را از چنگال اینها خلاص کرده؛ اینها می خواهند دوباره سیطره پیدا کنند؛ همه ی دعوا بر سر این است. ما با کسی دعوا نداریم. ما به کسی که می خواهد دوباره بر ما سیطره پیدا کند، می گوئیم نخیر، غلط می کنی؛ اجازه نمی دهیم. منازعه ی نظام اسلامی با کسانی که در پی چالش با این نظامند، سر این قضیه است؛ مشکل دیگری نیست. همه ی کشورهای دنیا در تعامل با هم، چالشهای قهری و طبیعی دارند - اینها که مهم نیست - آنچه مهم است، این است که ملت ایران و نظام اسلامی ایستاده است و می خواهد از هویت و استقلال و عزت ملی خود دفاع کند. عده یی می خواهند بر این اراده و عزم دست اندازی کنند؛ دعوا بر سر این است. مجلس در این دعوای اصولی، اساسی، تعیین کننده و سرنوشت ساز باید جایگاه روشنی داشته باشد؛ چون شما نماینده ی این ملتید. این ملت را در انتخابات می بینید، در تظاهرات و راهپیمایی ها می بینید، در شعارها می بینید، در درخواستها و مطالبات می بینید؛ می بینید این ملت، کیست و چیست. مجلس باید آینه ی تمام نمای اقتدار ملی و عزت ملی و ایستادگی بر سر منافع مالی و مقابله ی با سلطه جویان و سیطره خواهان جهانی و بین المللی باشد. اینها ظرفیتهای مهمی است که مجلس دارد. نکته ی دیگر این است که شما دویست و نود نفر نخبگان گرد آمده ی از اطراف کشورید؛ این فرصت خیلی بی نظیری است. دویست و نود نفر به عنوان نماینده ی ملت، از نخبگان و از قشرهای گوناگون، در مرکزی زیر یک سقف جمع شوند و چهار سال با هم باشند؛ این فرصت بسیار بی نظیر و استثنایی است. جای چالش منطقی و بحث و مجادله ی صحیح بر سر مسائل اساسی کشور، همین جاست. بنده با مجادلات داخل مجلس هیچ مخالفتی ندارم؛ خیلی موافقم. امام (رضوان الله علیه) مکرر می فرمودند که مجلس جای مباحثه، مثل مباحثه های طلبگی است. دو نفر طلبه وقتی با همدیگر مباحثه می کنند، گاهی سر یکدیگر داد هم می کشند؛ اما این داد کشیدن نه از روی کینه است، نه از روی انگیزه های سیاسی است، نه از روی انگیزه های شخصی است؛ این شخص از حقیقتی که به نظر او حقیقت است، دفاع می کند، آن شخص هم از نظر خودش دفاع می کند؛ غالباً هم به یک نتیجه می رسند. فرق است بین جنجال صاحب نظران و مجادلات منطقی اصحاب علم و تجربه و تخصص، با غوغاهای دبستانی. انسان وقتی وارد دبستان می شود، سر و صدا و جنجال بلند است؛ به یک محیط علمی هم که پا می گذارد، عده یی نشسته اند و دارند با یکدیگر بحث می کنند؛ آن جا هم جنجال بلند است؛ اما این جنجال با آن جنجال فرق دارد. جنجالهای دبستانی، جنجالهای حزبی و جنجالهای دلال مآبانه یی که چند نفر بر سر جیفه ی دنیا یقه یی هم را می گیرند، زشت و دون شأن مجلس است؛ اما مجادلات علمی، مباحثات تخصصی، بخصوص در کمیسیونها - که کمیسیونها جای این حرفهاست - بسیار صحیح و درست است. با این روش، نشاط مجلس تأمین می شود و باید حتماً وجود داشته باشد.

ما دنبال چه نوع توسعه یی هستیم؟ این نکته ی اساسی، در بحثهای اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواردی و اعتقادات و ایمان این مردم،



یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هر جا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ. بنده می‌بینم گاهی بعضی از شیوه‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و غیره پیشنهاد می‌شود، از دیگران گرفته شده - فلان متفکر فرنگی این طوری گفته، فلان متفکر کجایی این طوری گفته - مثل این که به آیات قرآن استناد می‌شود! خیلی از شیوه‌ها منسوخ است؛ سی سال پیش، چهل سال پیش، پنجاه سال پیش تجربه شده، بعد یک روش بهتر آورده اند؛ ولی ما الان می‌خواهیم از روش منسوخ آنها در آموزش و پرورش، در مسائل علمی، در کارهای دانشگاهی، در کارهای اقتصادی و در برنامه ریزی و بودجه بندی استفاده کنیم؛ نه، این درست نیست. از تجربه‌ها و دانش‌ها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد.

یک نکته‌ی اساسی در کار مجلس این است که شروع کار شما در سال پاسخگویی است. کار شما در زمینه‌ی پاسخ دو بعد دارد؛ هم باید پاسخ بدهید، هم باید پاسخ بخواهید. اگر دولت بخواهد پاسخ بدهد، پاسخ دولت می‌تواند به افکار عمومی باشد - که خوب هم هست و بنده هم غالباً برادران دولت را تشویق می‌کنم که به افکار عمومی توضیح بدهند و حرف بزنند - اما سازوکار قانونی، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی به مجلس است. شما باید پاسخ بخواهید و در زمینه‌ی کار خودتان هم باید پاسخ بدهید. اولویت‌هایتان را مشخص کنید. شما هر کدام از منطقه‌ی انتخاب شده‌اید؛ شعارهایی داده‌اید، حرف‌هایی زده‌اید و وعده‌هایی داده‌اید؛ اینها را جمع کنید و ببینید اولویت‌ها کدام است. این اولویت‌ها را آن جایی که در لوایح تقدیمی دولت باید دنبال شود، آن جایی که با طرح‌های خود مجلس باید تأمین شود، آن جایی که با پاسخگویی و توضیح خواستن از دستگاه‌های دولتی باید حاصل شود، مشخص، اولویت بندی و حتی زمان بندی کنید؛ بعد هم به مردم گزارش بدهید و بگویید ما می‌خواستیم این قانون را وضع کنیم، می‌خواستیم با این مشکل مقابله کنیم؛ زمان آن شش ماه بود، سر شش ماه به این جا رسیدیم. این که آقای دکتر حداد عادل می‌گویند سال آینده بتوانیم کارنامه‌ی قابل قبولی ارائه دهیم، در صورتی امکانپذیر است که شما اولویت بندی، برنامه ریزی و زمان بندی کنید و بگویید ما دنبال این اولویت‌ها هستیم. همه‌ی کارها را هم نمی‌شود یکشنبه با هم انجام داد؛ اولویت‌هایی وجود دارد؛ پیدا کردن و دنبال کردن این اولویت‌ها مهم است. در این صورت، شما، هم به مردم پاسخگو خواهید بود؛ هم از دستگاه‌هایی که زیر نظارت شما هستند، باید پاسخ بخواهید. یک روز را هم نباید از دست بدهید؛ این نکته را من غالباً به برادران و خواهرانی که در جاهایی مسؤول می‌شوند، عرض می‌کنم؛ به شما هم عرض می‌کنم. گاهی بعضی‌ها تصور می‌کنند چهار سال وقت دارند و دو سه ماه اول چیزی نیست. نه آقا! همان دو سه روز اول هم مهم است. یک روز را هم نباید از دست داد. چهار سال، وقت زیادی است؛ به شرط آن که از همه‌ی ساعات و روزهای آن استفاده شود؛ نه این که توقع زیادی داشته باشیم. از همه‌ی وقتی که برای مجلس مقرر است، باید به نحو صحیح استفاده شود؛ آنگاه چهار سال، وقت واقعاً قابل عرضه‌ی است.

یکی از نام‌های دارای افتخار در تاریخ ما - به همان اندازه‌ی که واقعیت دارد - امیرکبیر است. امیرکبیر در کشور ما سه سال در رأس دولت بوده است. معلوم می‌شود سه سال وقت خیلی زیادی است. همه‌ی کارهایی که امیرکبیر انجام داده و همه‌ی خاطرات خوبی که تاریخ و ملت ما از این شخصیت دارد، محصول سه سال است. بنابراین چهار سال، وقت کمی نیست - وقت خیلی زیادی است - به شرط این که از همه‌ی این وقت به نحو درست استفاده شود. دنبال آرمان‌های حقیقی در قالب و لباس عملی آن بگردید. نه باید دنبال ایده آل‌هایی بود که عملی و اجرایی نیستند، نه باید به کم قانع شد و از آن آرمان‌ها دور ماند. آنچه همواره باید مورد نظر باشد، چشم انداز بیست ساله است؛ این چشم انداز خیلی مهم است. و من به شما عرض کنم؛ به شهادت افرادی که کارشناس و متخصص این کار هستند،



این چشم انداز کاملاً عملی است؛ یعنی به هیچ وجه در آن، بلندپروازی‌های بیهوده و بی‌پشتوانه وجود ندارد. درست نگاه کنید، دقت کنید و چشم انداز بیست ساله را بخوانید. ما ملت ایران با این قانون اساسی جامع و با این ارکان نظام - اگر خوب کار کنند و درست کار کنند - می‌توانیم در ظرف بیست سال کشور خود را به نقطه‌ی اوج و قله‌ی بی‌پایه که در این چشم انداز تصویر شده، برسانیم. سیاستها را در نظر داشته باشید. سیاستها بر اساس این چشم انداز تنظیم شده است. قانونها باید با سیاستها هماهنگ باشد؛ یعنی در دل سیاستها جا بگیرد و به سمت این چشم انداز حرکت کند. آن چشم انداز هم بر پایه‌ی اسلام است. باید همه‌ی وقت و همت و شغل را مصروف همین اهداف کرد و در واقع ذوب در این اهداف شد.

تعبیر «ذوب در ولایت» را غالباً مخالفان شماها - کسانی که می‌خواهند نکته‌گیری کنند و مضمونی بگویند - به کار می‌برند؛ والا بنده این حرف را از آدمهای حسابی کمتر شنیده‌ام. بنده نمی‌فهمم معنای ذوب در ولایت را. ذوب در ولایت یعنی چه؟ باید ذوب در اسلام شد. خود ولایت هم ذوب در اسلام است. روزی که شهید صدر گفت «در امام خمینی ذوب شوید؛ همچنان که او در اسلام ذوب شده است»، تنها شاخص صحت راه، شخص امام بود؛ نه قانون اساسی بود، نه جمهوری اسلامی بود، نه نظامی بود، نه دستگاہی بود. در صحنه‌ی آشفته‌ی هوپها و جریانها و خطوط مختلف، یک قامت برافراشته و یک علم سرفراز وجود داشت و او امام بود؛ شهید صدر می‌گفت در او ذوب شوید. راست هم می‌گفت؛ ذوب در امام، ذوب در اسلام بود. امروز این طوری نیست. ذوب در رهبری، ذوب در شخص است؛ این اصلاً معنا ندارد. رهبری مگر کیست؟ رهبری هم باید ذوب در اسلام باشد تا احترام داشته باشد. احترام رهبری در سایه‌ی این است که او ذوب در اسلام و ذوب در همین هدفها بشود؛ پایش را یک قدم کج بگذارد، ساقط می‌شود. هیچ کس در شخص و در جهت ذوب نمی‌شود؛ در آن هدفها باید ذوب شد؛ در اسلام باید ذوب شد؛ در اهداف والای اسلامی - که خدای متعال برای ما معین کرده - باید ذوب شد؛ در واقع در ملت باید ذوب شد. به این هدفها و به آن نقطه‌ی اوج و والا چشم بدوزید. اسلام، عزت ملی، استقلال، عدالت اجتماعی و کم کردن فاصله‌ها بین طبقات جامعه؛ امروز ما به اینها خیلی نیاز داریم. یک قانون شما می‌تواند شکاف بین فقیر و غنی را عمیق‌تر کند؛ می‌تواند هم مقداری این را جمع کند. باید دنبال این باشید که این فاصله را کم و این شکاف را پُر کنید. از جمله‌ی مهمترین کارها، مبارزه‌ی با فساد است. مبارزه‌ی با فساد، یک جنبه‌ی اخلاقی محض نیست؛ اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد است. بنده دو سه سال پیش که آن نامه را درباره‌ی مبارزه‌ی با فساد به مسؤولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه‌ی وسیع و همه‌جانبه بود. از هر طرف می‌رویم، می‌بینیم اگر با فساد مبارزه نشود، همه‌ی کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می‌گیرد - کارهایی که انجام گرفته، کم نیست - اما وجود فساد، بعضی از آنها را خنثی می‌کند. استخري را در نظر بگیرید که از چند چاه عمیق با لوله‌های چند اینچی مرتب در آن آب ریخته می‌شود، اما استخر پُر نمی‌شود. وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید بدنه‌ی استخر ترک خورده و ته آن سوراخ است؛ هرچه از این طرف آب می‌ریزد، از آن طرف بیرون می‌رود؛ به کانالهایی که شما در نظر گرفته‌اید آبیاری کنید، اصلاً آب نمی‌رسد. فساد در جامعه، این طوری است. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سرطان است؛ باید با آن مبارزه کرد. البته نباید بزرگنمایی کرد. بعضی‌ها جنجال و بزرگنمایی می‌کنند و طوری حرف می‌زنند که کانه این سرطان همه‌جا را گرفته؛ نخیر، این طوری نیست. این همه ما دستهای پاکیزه، چهره‌های پاکیزه و انسانهای پاکیزه در دستگاہ‌های گوناگون از بالا تا پایین داریم؛ اکثریت هم با اینهاست؛ منتها یک نقطه‌ی فساد، همه‌ی بدن را آلوده می‌کند. وقتی یک جای بدن بیمار می‌شود و درد می‌گیرد - مثلاً وقتی دندان فاسد می‌شود - انسان شب خوابش نمی‌برد. قلب، سالم؛ معده، سالم؛ ریه، سالم؛ جریان خون، سالم؛ اما یک دندان ناسالم خواب را از انسان می‌گیرد. فساد، این طوری است؛ باید با فساد مبارزه‌ی جدی کرد. یک پایه‌ی مبارزه، شما ببینید. آن روزی که بنده مسأله‌ی مبارزه‌ی با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس



شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا ما دیگر احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم؛ اما متأسفانه این طور نشد. آنها نکردند، شما بکنید. البته به قول برادر ظریف و نکته سنج مان، با دستمال کثیف نمی شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید در درجه ی اول مراقب باشد که فساد دامن خودش را نگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشید. دست پاک، دامن پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه ی اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند.

به دنبال این توصیه، این را هم عرض کنم که از لغزشگاه ها بترسید. امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) در دعای صحیفه ی سجادیه، وقتی برای سربازان اسلام دعا می کنند، از جمله ی چیزهایی که روی آن تکیه می کنند، این است که خدایا! یاد و محبت و علاقه ی به «المال الفتون» - مال فتنه انگیز - را از دل اینها بگیر. مال و پول، خیلی خطرناک و فتنه انگیز است و خیلی ها را می لغزاند. ما آدمهای درشتی را در تاریخ دیدیم که وقتی پایشان به این جا رسید، لغزید؛ بنابراین خیلی باید مراقب باشید. در شرع مقدس، اسم این مراقبت چیست؟ تقوا. این که در قرآن از اول تا آخر این همه به تقوا توصیه شده، معنایش همین مراقبت و مواظبت از خود است. نفس انسان، زیاده خواه است. من وقتی در مطبوعات خواندم که شماها تصمیم گرفته اید در بعضی از مسائل مجلس و برخی از برخورداری های بیخودی تجدیدنظر کنید، حقیقتاً خوشحال شدم و به بانیان این کار دعا کردم. مثلاً فرض بفرمایید آدمی خانه دارد، باز خانه می خواهد؛ امتیاز دارد، باز امتیاز می خواهد. واقعاً من تشکر می کنم از این که شما در این راه وارد شدید و همت گماشتید. این راه را ادامه دهید و بر سر این کارها پای بفرسید. هرچه می توانید، منطقی و صحیح رفتار کنید. البته ما توصیه نمی کنیم و توقع هم نداریم که مثلاً در مجلس، نمایندگان گشنگی و تشنگی بکشند و زهد به خرج دهند - نه ما این طوریم، نه شما این گونه اید - ما می گوییم زیاده روی و اسراف نشود و کارهای بی قاعده و خرجهای بیخودی انجام نگیرد. ممکن است سرجمع همه ی این خرجها مبلغ خیلی کلانی هم در مجلس نشود؛ اما وقتی شما این راه را قطع کردید، دست مردم و دستگاه ها الگو می دهید و راه و جهت را مشخص می کنید. کار شما خیلی ارزش دارد و بسیار خوب است؛ این را دنبال کنید.

مسأله ی بعد، ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه یی است؛ این هم از چیزهایی است که به زبان خیلی آسان است، اما در عمل خیلی مشکل است. بنده هم یک وقت در مجلس بوده ام و می دانم نمایندگی چگونه است؛ با مجلس هم که سالهاست سروکار داریم. مصالح منطقه یی را بر مصالح کلی ترجیح ندهید. من باب مثال عرض بکنم: به سازمان مدیریت و برنامه ریزی، به دولتها و به رئیس جمهور، از جمله ی توصیه هایی که سالهاست بنده دارم و الان هم توصیه می کنم و همین اواخر هم که رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی آمده بود، باز به ایشان هم توصیه کردم، این است که طرحهای نیمه تمام را در کشور زودتر جمع و جور کنید. ما چند هزار طرح نیمه تمام داریم؛ طرحهایی که باید سه سال یا چهار سال تمام می شده، اما ده سال یا گاهی بیشتر طول کشیده. چرا؟ یک مقدار از آن مربوط به ضعف مدیریتهاست، بخشی از آن هم مربوط به کمبود منابع است. اگر بخواهیم طرحهای نیمه تمام را تمام کنیم، باید مجدداً طرح اضافه نکنیم؛ والا اینها هم نیمه تمام خواهد ماند. بدیهی است که اگر بتوانیم پولمان را صرف کنیم و یک مدرسه بسازیم تا دانش آموزان بتوانند در کلاس سر میز بنشینند، این بهتر از این است که ساخت دو مدرسه را شروع کنیم و هر دو در مرحله ی سفت کاری بماند و تمام نشود؛ در نتیجه، یک دانش آموز هم سر کلاس نخواهد رفت. همت را بالا می گیریم و ساخت دو مدرسه را شروع می کنیم؛ اما یکی هم تمام نمی شود. این بهتر است، یا این که بیاییم همان پول را صرف کنیم، یک مدرسه بسازیم و تمام کنیم تا دانش آموزان بروند سر کلاس بنشینند؟ طرحهای منطقه یی: فلان جا فرودگاه، فلان جا جاده، فلان جا اتوبان و... توقعاتی وجود دارد؛ نماینده هم اینها را به مجلس منتقل می کند و از آن جا به دولت منتقل می شود و در نتیجه، فشار. دولتی ها هم بالاخره به هر دلیلی تسلیم می شوند و زیر بار می روند؛ اما نتیجه چیست؟ نتیجه این است که طرحهای نیمه تمام ما اگر در



حدود چهار هزار طرح است، می شود پنج هزار، می شود ده هزار. کار سختی است، اما باید آن را تحمل کرد. حرف که زیاد است. گفت:

یک سینه حرف موج زند در دهان ما

با شما حرف زیاد داریم، لیکن وقت را هم باید در نظر گرفت.

آخرین مطلب، انضباط است. من این را عرض بکنم؛ خیلی از اوقات که در گذشته تلویزیون مجلس را نشان می داد و من صندلی های خالی را می دیدم، پای تلویزیون از مردم خجالت می کشیدم و احساس شرم می کردم! ما به این مردم گفته ایم پای صندوق بیایید؛ آنها هم آمده اند و نماینده معین کرده اند؛ حالا چه دارد مطرح می شود؟ مطلب مهم. به مجلس نگاه می کنید، می بینید چهار تا صندلی خالی است؛ یکی نشسته، پنج تا صندلی خالی است. بنده این جا پای تلویزیون وقتی این صحنه را می دیدم، حقیقتاً احساس شرمندگی می کردم. این، بی انضباطی است و مطلقاً نباید این را برای مجلس برتافت. سر وقت حاضر شدن، در کمیسیون حاضر شدن، در صحن علنی حاضر شدن و کار کردن، خیلی مهم است.

امیدواریم ان شاء الله با امیدی که مردم به شما بسته اند و تصویری که در ذهن آنها به وجود آمده، رفتار و حرکت شما و توفیق الهی به گونه بی باشد که روزه روز این امید در مردم تقویت شود و ان شاء الله مردم از این که نمایندگان خوبی مثل شما را به مجلس فرستاده اند، خوشحال باشند و خوشحال بمانند. در این صورت، ما هم همیشه دعاگوی شما خواهیم بود. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته